

# استشادات ائمه اطهار علیهم السلام و صحابه

## به حدیث غدیر \*

سیدناظم اجاقاف \*\* و شعبان داداشی \*\*\*

### چکیده

حدیث غدیر از نظر سند متواتر، مذکور در منابع روایی فریقین و از نظر دلالت نیز دلالت روشنی بر این موضوع دارد. مخالفان امامت از راههای گوناگون سعی کردند تا حادثه غدیر به فراموشی سپرده شود؛ ولی امام علی علیه السلام، فرزندان معصومش و اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله در مواقع مختلف به حادثه غدیر استناد می کردند. جمع آوری این استنادات در چارچوب مراجعه به منابع اصیل و متعدد فریقین تا محدوده زمانی امام باقر علیه السلام، محور بحث این مقاله می باشد. از این موارد می توان به استناد امام علی علیه السلام به حدیث غدیر در زمان خلفای سه گانه، خلافت ظاهری خودشان در روز «رحبه و رکیان»، به احتجاجات ائمه علیهم السلام و نیز اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله اشاره کرد.

واژه های کلیدی: ائمه اطهار علیهم السلام، صحابه، حدیث غدیر، استشهادات.

\* تاریخ دریافت: ۹۰/۵/۲۰ تاریخ تأیید: ۹۰/۶/۱۵  
\*\* دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی امام خمینی علیه السلام، قم.  
\*\*\* استادیار جامعه المصطفی العالمیه، قم.

## مقدمه

امامت در اسلام از اصول مهم دینی و اجتماعی بوده، از نظر اهمیت در رتبه پس از توحید، نبوت و معاد قرار می‌گیرد؛ زیرا این اصل در امتداد منصب رسالت و امام، عهده‌دار همه وظایفی است که بر عهده نبی بود که از این موارد می‌توان به اجرای احکام الهی، بسط حاکمیت خداوند بر روی زمین و بسط و ترویج عدالت اجتماعی اشاره کرد.

متأسفانه منصب امامت پس از رحلت رسول اکرم ﷺ دچار انحرافات اساسی شد و اعتقاد به اینکه منصب امامت از فروع دین و اینکه شخص پیامبر اسلام فردی را برای زعامت جامعه اسلامی معرفی نکرده، شکل گرفت که این اتهام کاملاً بی‌اساس است؛ زیرا هیچ‌کس به اندازه شخص حضرت رسول ﷺ نسبت به جامعه اسلامی و آینده آن نگران نبود.

در این مقاله تأکید بر این است که حضرت رسول ﷺ بارها و به صورت کاملاً آشکار در روز غدیر خم این وظیفه الهی را انجام داده‌اند و امام علی ﷺ، فرزندانشان و نیز اصحاب رسول خدا ﷺ در موارد متعدد به این روز و وقایع آن در اثبات این منصب الهی استناد کرده‌اند. در اینجا هریک از این موارد را مطرح و بررسی می‌کنیم.

### ۱. حدیث غدیر

سال دهم هجرت، رسول گرامی اسلام ﷺ قصد زیارت کعبه کردند. فرمان حضرت مبنی بر حضور گسترده مسلمانان در این مراسم بزرگ دینی در اقصی نقاط دولت اسلامی منتشر شده، جمعیت فراوانی روانه مدینه شدند.

رسول خدا ﷺ روز ۲۴ یا ۲۵ ذی‌القعدة از مدینه با این خیل گسترده جمعیت انصار، مهاجرین، قبایل عرب و اهل بیت خود با پای پیاده سفر را به مکه شروع کردند (واقعی، ۱۳۷۴: ۲، ۱۶۸-۱۶۹؛ القسطلانی، ۱۹۹۰: ۹، ۴۲۶ ابن کثیر، ۱۹۹۲: ۵، ۱۲۷؛ الحلبي، بی‌تا: ۳، ۲۷۴). در زمان برگشت این کاروان بزرگ به رهبری پیامبر اسلام در مکانی به نام «غدیر خم»، جبرئیل امین نازل شد و آیه مبارکه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَيَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»

طالع

سال دهم - شماره ۳۸ - زمستان ۱۳۹۰

۵۰

ای فرستاده خدا آنچه را از طرف پرودگارت به سوی تو فرود آمده برسان و اگر انجام ندهی پس پیام او را نرسانده ای و خدا تو را از مردم حفظ می کند برآستی که خدا گروه کافران را راهنمایی نمی کند» (مائده: ۶۷) را بر پیامبر آورد.

این چه مسئله مهمی است که به پیامبر تأکید می شود که «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» (مائده: ۶۷)، این سخت گیری زیاد نشان می دهد که عدم ابلاغ آن از سوی پیامبر برابر با عدم ابلاغ رسالت او می باشد (الطباطبائی، ۱۴۱۷: ۶، ۴۵؛ سبحانی، ۱۳۷۵: ۷، ۱۸۲). تکمله کدام یک از فروع دینی بود که پیامبر اسلام آن را بیان نکرده بودند که این گونه خدای متعال بر ابلاغ آن تأکید می فرماید که آن چیزی که بر عهده توست، انجام بده و اگر انجام ندهی، در حق مردم و انجام دستوره های الهی کوتاهی بزرگی انجام داده ای و در ادامه آیه می گوید: «وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (مائده: ۶۷).

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله ترس از چه چیزی داشتند؟ آیا ترس از جان خود داشتند که البته این نمی تواند درست باشد؛ زیرا این ترس در ابتدای رسالتش بسیار بیشتر بود و ایشان حتی یک لحظه در رسالتشان کوتاهی نکردند و حال که اسلام گسترش یافته، قسمت بیشتر کفار به زانو درآمده اند، دیگر ترس از جان معنایی ندارد، آری! می توان حدس زد ترس پیامبر صلی الله علیه و آله از قبول این امر به وسیله مسلمانان و اختلاف در میان آنان بود.

به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله همه در مکانی به نام غدیر خم توقف کرده، بعد از اقامه نماز ظهر، منبری برای ایشان آماده کردند، پس از حمد و ثنای الهی، خطبه بلندی خواند و فرمود: همانا من نسبت به هجرت به سرای آخرت و وارد شدن بر حوض بر شما سبقت خواهم گرفت و شما نیز در کنار من بر حوض وارد می شوید، دو شیء گرانبها، کتاب خدا و اهل بیت را در میان شما به امانت می گذارم. این دو هرگز از هم جدا نشوند تا اینکه بر حوض بر من وارد شوند؛ بنابراین آن دو را محکم بگیریید تا گمراه نشوید (النسائی، ۲۰۰۷: ۷۱-۷۲؛ ابن کثیر، ۱۹۹۲: ۵، ۲۲۸؛ الهیثمی، ۱۹۶۵: ۴۴).

سپس دست علی رضی الله عنه را گرفت و به اندازه ای بلند کرد که سفیدی زیر بغل هر دو آشکار شد و فرمود: ای مردم! چه کسی بر اهل ایمان از خود شما سزاوارتر است؟ مردم گفتند: خدا و رسولش دانانند. حضرت فرمودند: خداوند مولای من و من مولای مؤمنین و بر آنان از خودشان سزاوارترم؛ هرکس که من مولای او هستم، علی مولای او خواهد بود. سپس دست به دعا گشودند و فرمودند: خدایا دوست بدار هر که او را دوست دارد و دشمن بدار هر که او را دشمن

می‌دارد. یاری کن هرکه او را یاری کرد و خوارکن خوارکنندگان او را (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲، ۲۹۸؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۱۲، ۴۰۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳، ۳۶۳-۳۵۹؛ احمدبن حنبل، ۱۴۱۵: ۱، ۸۴ و ۵، ۳۷۰؛ ابن کثیر، ۱۹۹۲: ۵، ۲۲۹؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۴، ۹۱؛ حمونی، ۱۹۷۸: ۱، ۷۰؛ ابن‌المغازلی، ۱۳۹۴: ۶۹-۷۰؛ کنجی شافعی، ۱۳۶۲: ۶۲-۶۳) و سپس آیه شریفه «الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده: ۳) نازل شد.

ابی سعید خدری از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند هنگامی که این آیه نازل شد، پیامبر ﷺ تکبیر گفتند و فرمودند: کامل شدن دین، اتمام نعمت و رضایت پروردگار، ناشی از ولایت علی بن ابیطالب ﷺ می‌باشد و سپس فرمودند: «من كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله» (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱، ۲۰۰، ح ۲۱۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳، ۲۳۵؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳، ۲۵).

### سند حدیث غدیر

عامه و خاصه با سندهای گوناگون و متواتر این حدیث را نقل کرده‌اند. میرحامدحسین هندی در کتاب **عبارات الانوار** و علامه/مینی در کتاب **گرانسنگ الغدیر**، تواتر این حدیث را در منابع عامه اثبات کرده‌اند.

#### ۱ - ۱. صحت و تواتر حدیث غدیر در منابع اهل سنت

حدیث غدیر در بسیاری جوامع روایی اهل سنت از نظر سند صحیح و براساس مبانی حدیثی، صحیح و قابل اعتماد است. ذهبی که کتاب مستقلی درباره حدیث غدیر نوشته است، در کتاب خودش پیش از بررسی سندی این حدیث، می‌گوید: صدور این حدیث از جانب رسول گرامی اسلام ﷺ قطعی است.

ناصرالدین البانی درباره حدیث غدیر می‌گوید: این حدیث به وسیله بسیاری از صحابه نقل شده است (البانی، ۱۳۸۲: ۲، ۵۶۶). البانی در موسوعه حدیثی اش سلسله‌الاحادیث الصحیحة که در آن احادیث صحیح‌السند را جمع‌آوری و تصحیح کرده، درباره این حدیث شریف می‌گوید: «حدیث غدیر از زیدبن ارقم، سعدبن ابی‌وقاص، بریده‌بن حصیب، علی بن ابی‌طالب ﷺ، ابی‌ایوب انصاری، براء بن عازب، عبدالله بن عباس، انس بن مالک، ابی سعید و ابی هریره نقل شده است» و گروه زیادی آن را از طرق صحیح و حسن نقل کرده‌اند (ذهبی، ۱۴۲۱: ۱۱).

به علاوه علمای دیگری نیز به صحت سندی حدیث غدیر اشاره کرده‌اند که عبارت‌اند از: ترمذی (م ۲۷۹)، ابوجعفر طحاوی (م ۳۲۱) و... که برای پرهیز از طولانی‌شدن کلام در پاورقی آدرس این منابع را ذکر می‌کنیم<sup>۱</sup> (هیثمی، ۱۹۸۸: ۴۲، حلبی، بی‌تا: ۳، ۲۷۴، ترمذی، ۱۹۹۴: ۵، ۳۹۸).

## ۲ - ۱. صحت و تواتر حدیث غدیر در منابع شیعه

علمای شیعه به صحت و تواتر نقلی حدیث غدیر، اعتقاد دارند که از جمله می‌توان به کلینی و شیخ صدوق اشاره کرد که برای رعایت اختصار، اسامی این افراد را به همراه آثارشان در پاورقی ذکر می‌کنیم<sup>۲</sup> (کلینی، ۱۳۶۲: ۱، ۲۸۷ و ۴، ۵۶۷؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۲، ۵۶۰؛ شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ۳، ۲۶۴).

دلالت حدیث غدیر بر ولایت بلافصل امام علی<sup>علیه السلام</sup> با توجه به قراین حالی و مقالی روشن و آشکار است، هرچند بسیاری از اهل سنت اصرار دارند که کلمه مولی در حدیث شریف به معنای دوست و یاور می‌باشد، باید بگوییم یکی از معانی مولی به معنای دوست و یاور است؛ ولی قراین مذکور اجازه برداشت چنین معنایی را نمی‌دهد. به چند نکته مهم در این باره توجه می‌کنیم:

۱. موضوع دوستی امام علی<sup>علیه السلام</sup> و برادری او با پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> امری پنهان و مخفی نبود تا احتیاج به اعلان رسمی و برگزاری مراسمی بزرگ برای اعلان این امر باشد؛ بنابراین می‌فهمیم که مسئله مهم‌تری با عنوان خلافت و جانشینی در کار بوده است.

به علاوه تبریک‌های مردم و پیشگامی خلیفه دوم در این امر با جمله «هنیئاً یابن‌أبی‌طالب اصبحت وامسیت مولی کل مؤمن ومؤمنة؛ گوارا باد بر تو ای فرزند ابی‌طالب از اینکه رهبر و

۱. الترمذی، ۱۹۹۴: ۵، ۳۹۸، ح ۳۷۳۳؛ الحمیونی، ۱۹۷۸: ۱، ۷۰، باب ۱۱، ح ۳۷؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۳، ۱۰۹؛ ابن عبد قرطبی، ۱۴۱۲: ۳، ۱۰۹۹؛ المغازلی، ۱۳۹۴: ۷۱-۶۹؛ سبطین جوزی، ۱۴۰۱: ۳۶؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۶۵: ۹، ۱۶۶؛ خ ۱۵۴؛ گنجی شافعی، ۱۳۶۲: ۶۴؛ ابن‌کنیر، ۱۹۹۲: ۵، ۲۲۹-۲۳۰؛ هیثمی، ۱۹۸۸: ۹، ۱۰۴-۱۰۹؛ ابن جزری، ۱۴۰۰: ۴۹-۴۸؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۸: ۷، ۹۳، باب مناقب علی بن ابی‌طالب<sup>علیه السلام</sup>؛ هیثمی، ۱۹۶۵: ۴۲؛ حلبی، بی‌تا: ۳، ۲۷۴؛ مناوی، ۱۴۱۵: ۶، ۲۸۲، ح ۹۰۰۰؛ البانی، ۱۴۰۵: ۴، ۳۳۰-۳۴۴.

۲. کلینی، ۱۳۶۲: ۱، ۲۸۷ و ۴، ۵۶۷؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۲، ۵۶۰؛ شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ۳، ۲۶۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۰، ۴۴۰، ح ۱۳۷۹۴؛ بحرانی، ۱۴۱۳: ۲، ۲۴۴؛ طیب، ۱۳۷۸: ۸، ۳۷۶؛ اسراء: ۶۰؛ بروجردی، ۱۳۶۶: ۲، ۲۳۳؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ۵، ۱۹۶؛ ملکی میانجی، ۱۴۰۰: ۱۰۶.

سرپرست مسلمانان شدی»، این را می‌رساند که اصلاً مسئله دوستی در کار نبوده است (احمدبن حنبل، ۱۴۱۵: ۴، ۲۸۱؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۱، ۲۰۰؛ فخر الدین رازی، ۱۴۲۰: ۱۲، ۴۰۱؛ مناوی، ۱۴۱۵: ۶، ۲۸۲؛ الطبری، ۲۰۰۷: ۶۷؛ سبطین الجوزی، ۱۴۰۱: ۳۶).

۲. استفاده لفظ «مولی» به وسیله خلیفه دوم پس از خطبه پیامبر و برگزاری آن تشریفات بزرگ نشان می‌دهد که لفظ «مولی» در حدیث شریف نمی‌تواند معنایی غیر از رهبری و سرپرستی جامعه داشته باشد.

۳. اشعار حسان بن ثابت، شاعر پیامبر که از پیامبر ﷺ درخواست کرد تا به این مناسبت اشعاری بسراید که مضمون این ابیات را می‌آوریم: پیامبر آن اجتماع بزرگ را در سرزمین خم جمع کرده، فرمودند: «مولای شما و پیامبر شما کیست؟ آنها بدون درنگ جواب دادند: خدای تو مولای ما و تو پیامبر ﷺ مایی و ما از پذیرش ولایت تو سرپیچی نخواهیم کرد».

آنگاه پیامبر ﷺ به علی ﷺ فرمود: «برخیز! زیرا من تو را بعد از خودم امام و رهبر انتخاب کردم» و سپس فرمود: «هرکس من مولا و رهبر اویم، این مرد مولا و رهبر اوست؛ پس شما همه از سر صدق و راستی از او پیروی کنید» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۹، ۱۸۸-۱۸۹؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۱، ۲۵۶، ح ۲۴۹؛ الکنجی، ۱۳۶۲: ۶۴). مضمون و محتوای ابیات و نیز کلام حضرت رسول، دلالت آشکاری بر کاربرد لفظ مولی به معنای رهبر و سرپرست دارد.

۴. پس از معرفی علی ﷺ یک نفر به نام نعمان بن حارث فهری از منافقان، خدمت پیامبر رسید و گفت: به ما دستور دادی که شهادت به یگانگی خدا و رسالت بدهیم. ما هم شهادت دادیم؛ سپس دستور به جهاد، حج و... دادی. همه را انجام دادیم؛ ولی به آنها بسنده نکردی و می‌خواهی این جوان را به عنوان جانشین، پس از خودت تعیین کنی. آیا این دستور از سوی خداوند است؟ پیامبر ﷺ فرمودند: «قسم به خدایی که جز او معبود نیست، این امر از ناحیه خداست».

نعمان گفت: خدایا اگر این سخن حق است، از طرف آسمان سنگی بر ما بفرست! ناگهان سنگی از آسمان بر سرش فرود آمد و او را کشت (مناوی، ۱۴۱۵: ۶، ۲۸۲؛ الثعلبی، ۱۴۲۲: ۷۱، فیروزآبادی، ۱۳۸۳: ۲، ۱۴۵) و اینجا بود که آیه «سئلَ سائلٌ بعذابٍ واقعٍ» سائلی (از کفار)، عذابی حتمی را درخواست کرد (معارج: ۱).

این حادثه نیز نشان می‌دهد که انتصاب امیر مؤمنان ﷺ از جانب خداوند متعال بوده که به وسیله پیامبر ﷺ به مردم اعلان شده است.

## استشهادات امام علیؑ در زمان خلفا

حدیث غدیر از جمله احادیثی است که حضرت علیؑ پس از رحلت پیامبر اکرمؐ در زمان خلفا برای اثبات حقانیت خود به آن حدیث استشهاد کرده است که برخی از آنها را در ذیل ذکر می‌کنیم:

### ۱. روز هفتم پس از سقیفه

امام علیؑ هفت روز پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام، نخستین اتمام حجت خود را با مردمی که در مسجد جمع شده بودند، با احتجاج به حادثه «غدیر خم» شروع کرده، در سخنان مفصّلی فرمودند: خداوند تعالی به وسیله من، با انتخابم به عنوان وصیّ پیامبرش، بندگانش را آزمایش نمود ... پیامبرؐ پس از حجة الوداع در غدیر خم فرود آمدند. در آنجا شبیه منبری برای ایشان آماده شد؛ سپس بر فراز آن رفت و بازوی من را گرفت و به اندازه‌ای بلند کرد که سفیدی زیر بغلش نمایان شد و در آن مجلس با صدای بلند فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَآلَهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ».

پس بدانید ولایت من، ولایتی الهی است و دشمنی با من، برابر با دشمنی با خداست (حرّ عاملی، ۱۳۶۵: ۳، ۳۱۷-۳۱۸). خداوند در همین روز این آیه را نازل کرد: «... الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِيناً...» امروز دینتان را کامل و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و دین اسلام را برای شما پسندیدم ... (مائده: ۳).

### ۲. در مسجد پس از ملاقات با خلیفه اول و دوم

خلیفه اول و دوم برای گرفتن بیعت از امیر مؤمنانؑ به خانه آن امام همام آمدند و پس از صحبت‌هایی که در این باره با امام داشتند، از منزل خارج شدند. بلافاصله امام علیؑ به مسجد آمدند و پس از حمد، ثنا و مطالبی دیگر، فرمودند: /بویکر و عمر نزد من آمدند و از من طلب بیعت کردند. آن کسی که باید با او بیعت کنند، من هستم ...، صاحب روز غدیر و کسی که درباره او سوره‌ای از قرآن نازل شده، من وصیّ آن رسول هجرت‌کننده به سوی پروردگار و تنها فرد لایق پس از او در هدایت امتش هستم. تقوا پیشه کنید تا خداوند شما را

ثابت قدم بدارد و نعمتش را بر شما تمام کند؛ سپس امام به خانه بازگشتند (شیخ طوسی، ۱۴۱۴: ۵۶۸ و مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۸، ۲۴۸).

### ۳. احتجاج امام علیؑ در روز شوری

پس از قتل خلیفه دوم، طبق وصیتش که شش نفر را به عنوان کاندیدای خلافت تعیین کرده بود، این شش نفر جمع شدند تا یکی را به عنوان خلیفه انتخاب کنند. پس از سه روز که نزدیک بود عثمان به عنوان خلیفه انتخاب شود، امام علیؑ در آن مجلس برخاستند و خطاب به حضار از برتری خودشان نسبت به دیگران در جملاتی فرمودند: آیا در میان شما به غیر از من کسی هست که رسول خدا او را به امر خداوند به جانشینی خودش منصوب کرده باشد؟ سپس اشاره به کلام حضرت رسول ﷺ نمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ فَلْيَبْلُغِ الشَّاهِدِ الْغَائِبِ». همه گفتند: نه! کسی جز تو صاحب این فضیلت نیست. حضرت فرمود: «آیا کسی به غیر از من در میان شما هست که پیامبر ﷺ در غدیر خم به او فرموده باشد: هر کس از تو اطاعت کند، از من اطاعت کرده، هر کس مرا اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده و هر کس از تو سرپیچی کند، از امر من عصیان کرده و هر کس از امر من سرپیچی کند، از فرمان خدای تعالی عصیان کرده است. همه گفتند: نه! کسی جز تو دارای این مقام نیست (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۱، ۳۲۲؛ دیلمی، ۱۳۷۵: ۲، ۸۵؛ طبرسی، ۱۴۱۶: ۱، ۳۲۲).

### ۴. هنگام بیعت مردم با عثمان

پس از ماجرای شورا و انتخاب عثمان آنگاه که قرار شد مردم با عثمان بیعت کنند، بار دیگر امیرمؤمنانؑ به پاخاست و خطبه‌ای ایراد کرد و در ضمن آن فرمود: «ای مردم! به آنچه می‌گویم گوش فرادهید. آیا در میان شما کسی است که پیامبر ﷺ در روز غدیر خم دست او را گرفته و فرموده باشد: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ فَلْيَبْلُغِ الشَّاهِدِ الْغَائِبِ؟ آیا این مطالب درباره کسی غیر از من صادق است؟

در این میان فردی به نیابت از دیگران برخاست و گفت: هیچ کس را سراغ نداریم که در گفتار صادق‌تر از تو باشد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۱، ۳۶۱).



## استشهاد امام علیه السلام در زمان خلافت خودشان

در زمان خلافت ظاهری امام علیه السلام که انتظار می‌رفت حادثه غدیر به وسیله صاحب این روز، جان تازه‌ای بگیرد و نسل جدیدی‌ها و تازه به دوران رسیده‌ها با این رویداد مهم به صورت صحیح و درست آشنا شوند، جنگ‌ها و نزاع‌های ایجادشده به وسیله مخالفان عملاً این زمینه را از میان برد. در کنار اینکه عده‌ای فتنه‌گر به جامعه تلقین می‌کردند که امام علیه السلام دلیلی بر برتری خودش نسبت به خلفای گذشته ندارد و حضرت را متهم به جعل روایت از پیامبر اسلام در این باره می‌کردند و نسبت به این روایات، بذر شک و تردید را در جامعه می‌پراکنند.

در این فضا، امام علیه السلام با عموم مردم به محاجه برخاستند و این موضوع به اندازه‌ای جلب اهمیت کرد که بسیاری از تابعین در منابع روایی این موارد را به صورت متواتر و فراوان نقل کرده‌اند (امینی، ۱۳۶۶: ۲، ۱۵).

## استشهاد امام علی علیه السلام در روز رجب و رجبان

نخست معنای لغوی رجب و رجبان را بیان کرده، در ادامه جریان این روز را شرح می‌دهیم.

رُجبه: در لغت به معنای فضای باز و یا مکان گسترده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۷: ۳۴۶).

مقصود از «رجبه» در اینجا صحن، حیات مسجد و یا حیات قصر دارالاماره کوفه است که امام علی علیه السلام در آنجا از مخاطبان خواستند درباره حدیث غدیر شهادت بدهند.

رُجبان: رجبان از کلمه رکوب به معنای سوار بر پشت حیوان است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۷: ۳۶۳).

مقصود از «رجبان» در اینجا به معنای قافله، گروه و کاروانی است که در صحن مسجد یا قصر دارالاماره کوفه به خدمت امام علی علیه السلام رسیدند و خودشان را به عنوان موالی معرفی کرده، امام علیه السلام از آنها دلیل خواستند که آنها استشهاد به حدیث غدیر کردند.

*ابن‌اثیر از اصبع نقل می‌کند: امام علی علیه السلام مردم را به خدا قسم داد و فرمود هرکس شخصاً کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله را درباره او شنیده، بلند شده و شهادت دهد، حدود هفتاد نفر از جمله ابوایوب انصاری، ابوعمره بن عمرو بن محسن، ابوزینب (ابن عوف انصاری)، سهل بن حنیف، خزیمه بن ثابت، عبدالله بن ثابت انصاری، حبشی بن جناده سلولی، عبید بن عازب انصاری، نعمان بن*

عجلان انصاری، ثابت بن ودیعه انصاری، ابوفضاله انصاری و عبدالرحمن بن عبد رب انصاری گفتند ما شهادت می‌دهیم که این کلام «من كنت مولاہ فعلی مولاہ، اللہم وال من والاہ و عاد من عاداہ و احب من احبہ و ابغض من ابغضہ و اعن من اعانہ» را رسول خدا ﷺ در روز غدیر خم بیان فرمودند (ابن اثیر، ۱۹۹۸: ۳، ۳۶۴).

در اسد الغایة از اصبح بن نباته روایت شده است: امام علی ﷺ از مردم درخواست نمودند و آنان را به خدا قسم دادند، هر کس این کلام را از رسول خدا ﷺ شنیده، شهادت دهد. در این میان نزدیک به هفده نفر از جمله ابویوب انصاری و ابوزینب برخاستند و گفتند: شنیدیم از رسول خدا ﷺ در روز غدیر خم در حالی که دست تو را گرفته و بلند نموده بود، فرمود: آیا شما گواه نیستید به اینکه من (اوامر خدا را) ابلاغ نمودم و خیر و صلاح شما را بیان نمودم؟ سپس فرمود: آگاه باشید، همانا خدای عزوجل، «ولی» من و من «ولی» مؤمنین هستیم؛ پس هر کس که من مولای اویم، علی مولای اوست، بار خدایا! دوست بدار کسی را که او را دوست دارد و دشمن بدار کسی را که با او دشمنی می‌کند (ابن اثیر، ۱۹۹۸: ۳، ۳۶۴).

ابن حجر عسقلانی از ابوموسی نقل می‌کند که ایشان این روایت را ابوالعباس بن عقده در کتاب الموالات از طریق علی بن حسن عبدی از سعد (اسکاف)، از اصبح بن نباته این گونه بیان کرده است: امام علی ﷺ مردم را در «رحبه» سوگند داد و از آنها پرسید: هر کس کلام رسول خدا ﷺ را در روز غدیر خم شنیده، برخیزد؛ پس نزدیک به هفده نفر از جمله ابویوب و ابوزینب بن عرف برخاستند و گفتند: ما شهادت می‌دهیم که شنیدیم رسول خدا ﷺ در روز غدیر خم در حالی که دست تو را گرفته و بلند کرده بود، فرمود: آیا گواه نیستید که (اوامر خدا را) رسانیدم؟ گفتند: گواهییم؛ سپس فرمود: «فمن كنت مولاہ فعلی مولاہ» (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۸: ۴، ۲۷۶).

### استشهادات ائمه اطهار ﷺ تا پایان امامت امام باقر ﷺ

در مباحث گذشته، استشهادات حضرت علی ﷺ به حدیث غدیر در زمان خلفا و دوران امامت خود حضرت را بیان کردیم. در این بخش، استشهادات سایر ائمه ﷺ تا پایان امامت امام باقر ﷺ را تبیین می‌کنیم.

## ۱. استشهاد امام حسن علیه السلام

*ابوالعباس بن عقده* پس از بررسی دقیق سندی حدیث غدیر، آورده است: امام حسن علیه السلام پس از پذیرش اجباری صلح با معاویه برای ادای خطبه‌ای به پا خاستند و پس از حمد و ثنای الهی و شهادت به رسالت و نبوت جدش، فرمودند: ما اهل بیت پیامبر گرامی اسلام علیهم السلام هستیم که خداوند ما را گرامی و به درجه‌ای بزرگ رساند و ما را از هرگونه پلیدی پاک و منزّه قرار داد.

پس از آنکه خداوند متعال پیامبرش را به نبوت مبعوث و کتابش را به وسیله فرشته وحی بر او نازل کرد، به او فرمان داد که مردم را به آیین توحیدی والامر تبه فراخواند. پدرم نخستین فردی بود که دعوت خدا و رسولش را اجابت کرده، بدان ایمان آورد.

خداوند در این باره می‌گوید: «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ...؛ آیا کسی که از طرف پروردگارش با دلیلی روشن می‌باشد و گواهی از جانب آن از او پیروی می‌کند...» (هود: ۱۷).

خداوند مهربان جدم را با دلیل و برهان به نبوت مبعوث و پدرم نخستین فردی بود که مدال باعظمت پیروی از آیین توحیدی والامر تبه را بر گردن نهاد که برای همیشه این مدال پرافتخار اختصاص به او دارد.

در ادامه فرمودند: هرگاه امت و قومی زمام امور خودش را به فردی که از خودشان در درجه پایین‌تری از دانایی قرار دارد، بسپارد، این امت براساس سیر طبیعی به درجه‌ای از سقوط و سراسیمگی به پیش می‌رود تا اینکه خودشان به سوی فردی می‌گرایند که آن فرد از خودشان داناتر؛ ولی آنها او را رها کرده بودند.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره پدرم شنیدند: «أنت منی بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي» یعنی (یا علی!) تو از من به منزله هارون هستی از موسی، جز آنکه پیامبری پس از من نخواهد بود. دیدند که در روز غدیر خم، جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله دست پدرم را گرفتند و خطاب به مردم فرمودند: «من كنت مولاه فعلي مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه...» و سپس امر نمودند که حاضران به غایبان اطلاع دهند. قندوزی حنفی قسمتی از این خطبه را که در آن به حدیث غدیر استشهاد و احتجاج شده، ذکر می‌کند (القندوزی الحنفی، ۱۹۹۷: ۳، ۵۳۸-۵۴۰؛ حر عاملی، ۱۳۶۵: ۳، ۴۵۰).

## ۲. استشهاد امام حسین علیه السلام

یک سال پیش از مرگ معاویه، مطابق با یک سال پیش از واقعه عاشورا، امام حسین علیه السلام در سرزمین منی در خیمه‌شان، اجتماع بزرگی از مسلمانان نزدیک به هفتصد نفر از جمله دویست نفر از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله را جمع کردند و خطبه‌ای ایراد فرمودند و در آنجا از اقدامات پلید معاویه نسبت به پدر بزرگوارشان بسیار اظهار تأسف کرده، در ادامه شروع به شمردن مناقب پدرشان کردند و در هر منقبتی که ذکر می‌کردند، اجتماع حاضر را به خدا قسم داده، از آنان اقرار می‌گرفتند؛ از جمله فرمودند: شما را به خدا قسم آیا می‌دانید که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در روز غدیر، امام علی علیه السلام را به عنوان جانشین خود معرفی کردند و فرمودند: «این انتصاب را حاضران به غایبان اطلاع دهند. جمعیت جواب دادند: آری! به خدا قسم» (هلالی، ۲۰۰۹: ۲۶، ۳۲۱).

## ۳. استشهاد امام زین العابدین علیه السلام

ابواسحاق گوید: به علی بن الحسین علیه السلام گفتم معنای کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله «من کنت مولاه» چیست؟ فرمودند به مردم اعلان کرد که پس از او علی علیه السلام، وصی و جانشین اوست (شیخ صدوق، ۱۹۹۰: ۱۰۶).

در حدیث دیگری، فردی از امام سجاد علیه السلام پرسید: معنای کلام پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: «من کنت مولاه فعلی مولاه»، چیست؟ فرمود: به آنان اعلام کرد که علی بن ابیطالب علیه السلام امام و خلیفه پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله است (الحر العاملی، ۱۳۶۵: ۳، ۳۴۷).

## ۴. استشهاد امام محمد باقر علیه السلام

فردی در میان صحبت‌های امام باقر علیه السلام برخاست و به امام عرض کرد: حسن بصری در تفسیر آیه شریفه «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل إلیک من ربک و إن لم تفعل فما بلغت رسالتک و اللّهُ یعصمک من الناس» (مائده: ۶۷) می‌گوید، آیه در حق فردی نازل شده است - ولی نام آن شخص را بیان نمی‌کند - و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از این اعلام می‌ترسید؛ بنابراین خداوند مهربان به او می‌فرماید، آیا از مردم می‌ترسی؟ خداوند تو را از مردم حفظ می‌کند.

امام باقر علیه السلام پاسخ دادند: خداوند نماز او را قبول نکند، او را چه شده که نمی‌تواند بگوید این آیه در حق چه کسی نازل شده است. امام در ادامه فرمودند: جبرئیل بر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرود آمدند و گفتند که خداوند به شما امر نموده که امت را در مورد رهبر و جانشین پس از خودت

راهنمایی کنی. پیامبر ﷺ نیز بپا خاستند و دست علی بن ابیطالب را گرفتند و فرمودند: «... مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخذْ مَنْ خَذَلَهُ...» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۷، ۱۴۱-۱۴۰).

### استشهادات برخی صحابه به حدیث غدیر

در این قسمت، استشهادات برخی اصحاب را که پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ درباره حدیث غدیر بیان کرده‌اند، مطرح می‌کنیم:

#### ۱. استشهاد ابوهریره به حدیث غدیر

ابویعلی موصلی از شریک، از ابی‌یزید داود اودی، از پدرش یزید اودی و ابی‌کریب از ساذان، از شریک، از ادريس و برادرش داود از پدرشان یزید اودی روایت می‌کند که ابوهریره داخل مسجد شد و مردم گرد او جمع شدند. جوانی برخاست و به ابوهریره گفت: تو را به خدا سوگند می‌دهم، آیا از رسول خدا ﷺ شنیدی که فرمود: «من کنت مولاہ فعلی مولاہ، اللہم وال من والاه، و عاد من عاداه». ابوهریره گفت: شهادت می‌دهم که از رسول خدا ﷺ شنیدم فرمود: «من کنت مولاہ فعلی مولاہ، اللہم وال من والاه و عاد من عاداه» (ابویعلی، ۱۹۹۸: ۱۳، ۱۸۷).

این روایت را ابوبکر هیثمی به نقل از ابویعلی، طبرانی و بزار، به دو سند ذکر کرده، یکی از دو سند دارای راوی راستگو و امین می‌باشد (ابوبکر هیثمی، ۱۹۸۸: ۹، ۱۰۵) و ابن‌کثیر در کتاب تاریخش از سند ابویعلی موصلی و ابن‌جریر طبری این روایت را نقل کرده است (ابن‌کثیر، ۱۹۹۲: ۵، ۲۳۲).

ابن‌ابی‌الحدید گوید: سفیان ثوری روایتی از عبدالرحمن بن قاسم از عمر بن عبدالغفار نقل کرده است: زمانی که ابوهریره با معاویه به کوفه آمد. شب‌ها در باب‌کنده می‌نشست و مردم اطراف او جمع می‌شدند. شبی جوانی کنار او نشست و خطاب به او گفت: تو را به خدا سوگند می‌دهم، آیا از رسول خدا ﷺ شنیدی که درباره علی بن ابیطالب ﷺ فرمود: «اللہم وال من والاه و عاد من عاداه»؟ (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۶۵: ۴، ۶۸).

ابوهریره گفت: خداوند! آری! جوان گفت: من خدا را شاهد می‌گیرم که تو دشمن خدا را دوست و با دوست او دشمنی نمودی؛ سپس جوان از کنار او برخاست (أمینی، ۱۳۶۶: ۱، ۴۰۸).

## ۲. استشهاد جابر بن عبدالله الانصاری

گنجی شافعی در روایتی صحیح از عبدالله بن محمد نقل می‌کند: در منزل جابر به حضور امام سجاد علیه السلام رسیدیم که محمد بن حنفیه و ابوجعفر هم بودند و مردی از اهل عراق داخل شد و به جابر گفت: به خدا قسم برای من آنچه را از رسول خدا صلی الله علیه و آله دیدی و شنیدی، بیان کن. جابر گفت: در جحفه در روز غدیر خم رسول خدا صلی الله علیه و آله از خیمه خود بیرون آمدند؛ سپس دست علی بن ابیطالب علیه السلام را گرفتند و فرمودند: «من کنت مولاة فعلی مولاة» و همین روایت را نیز ابن‌کثیر در تاریخش آورده است (کنجی الشافعی، ۱۳۶۲: ۶۱-۶۲؛ حموی، ۱۹۷۸: ۱، ۶۲-۶۳؛ ابن‌کثیر، ۱۹۹۲: ۵، ۲۳۲؛ الذهبی، ۱۹۹۶: ۸، ۳۳۴).

## ۳. استشهاد عبدالله بن عباس

حاکم نیشابوری از ابن‌عباس روایت می‌کند که در جنگ یمن در رکاب امیر مؤمنان علیه السلام بودم. پس از جنگ خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله شرفیاب شدیم. در حضورش از علی علیه السلام نکوهش کردم. ناگهان چهره حضرت دگرگون شد و خطاب به من فرمود: مگر نسبت به مؤمنان از خودشان برتر نیستم؟ پاسخ دادم همان‌گونه است که می‌فرمایید. آنگاه فرمودند: «من کنت مولاة فعلی مولاة». این حدیث براساس دیدگاه بخاری و مسلم صحیح است (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۳، ۱۱۰؛ فیروز آبادی، ۱۳۸۳: ۲، ۹۳).

## ۴. استشهاد عمار بن یاسر در روز صفین

نصربن مزاحم کوفی در حدیثی طولانی از عمار بن یاسر روایت کرده است که در روز صفین، خطاب به عمرو بن عاص گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من امر فرمود که با ناکثین بجنگم. با آنها (اصحاب جمل، طلحه، زبیر و یارانشان) جنگ کردم. به من امر کردند که با قاسطین (منحرفان از راه حق) بجنگم که شما از آنها بپرهیزید و اما مارقین، نمیدانم آنان را درک می‌کنم یا نه؟ ای بی‌نسل و فرزند! آیا تو نمی‌دانستی رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره علی علیه السلام فرمود: «من کنت مولاة فعلی مولاة اللهم وال من والاه، و عاد من عاداه» و «انا مولی الله و رسوله و علی بعده و لیس لک مولی» (المنقری، ۱۳۸۲: ۳۳۸).

## نتیجه

حدیث غدیر از حیث دلالتی، دلالت روشنی بر وصایت و خلافت الهی امام علی علیه السلام دارد؛ بنابراین وظیفه هر فرد مسلمانی است که نسبت به آن باید خودش به دیدگاه درست و واقع برسد، در کنار اینکه این حدیث چه در منابع روایی شیعه و چه در جوامع روایی اهل سنت از تواتر و تعدد نقل برخوردار است.

استشهادات امیر مؤمنان علیه السلام به این حدیث اختصاص به دوره خلافت خلیفه سوم ندارد، بلکه همه در آن زمان و زمان‌های پس از آن حضرت به حدیث غدیر تمسک کرده‌اند. همچنین، در این مقاله استشهاداتی از سایر ائمه؛ و برخی صحابه و یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر شد؛ بنابراین این ادعا که امیر مؤمنان علیه السلام و سایر ائمه درباره با این موضوع ساکت بوده، اصلاً احتجاج و استشهادی نکرده‌اند، سخن درستی نیست.



## منابع

۱. ابن اثیر، ابی الحسن علی بن محمد الجزری، ۱۹۹۸م، اسدالغابة فی معرفة الصحابه، بیروت، دارالفکر، ج ۱.
۲. ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین، ۱۳۲۸ش، الاصابة فی تمييز الصحابه، مکه مکرمه، دار احیاء التراث العربی، ج ۱.
۳. ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۸ق، فتح الباری شرح صحیح بخاری، بیروت، دارالکتب العلمیة، بیروت، ج ۲.
۴. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله بن محمد، ۱۴۱۲ق، الاستیعاب، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دارالجلیل، ج ۱.
۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو دمشقی، ۱۹۹۲م، البداية و النهایة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۱.
۶. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو دمشقی، ۱۴۱۹ق، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
۷. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، ۱۹۶۵م، شرح نهج البلاغه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۲.
۸. بهرام پور، ابوالفضل، ۱۳۸۶ش، ترجمه و شرح واژگان قران کریم، قم، نگین، ج ۱.
۹. أبی یعلی، احمد علی بن المثنی الموصلی، ۱۹۹۸م، مسند أبی یعلی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ج ۱.
۱۰. احمد بن حنبل، ابی عبدالله الشیبانی، ۱۴۱۵ق، المسند، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۳.
۱۱. أمینی، عبدالحسین احمد، ۱۳۶۶ش، الغدير، فی الكتاب و السنّة-والادب، بیروت، دارالکتب الاسلامیة، ج ۲.



١٢. آلوسی، سید محمود، ١٤١٥ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیة.
١٣. البانی، محمد ناصر الدین، ١٤٠٥ق، سلسلة الاحادیث الصحیحة المکتب الاسلامی، بیروت، دارالکتب الاسلامیة.
١٤. بحرانی، عبدالله بن نورالله، ١٤١٣ق، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الايات و الأخبار و الأقوال، قم: مؤسسه الامام المهدي (عج)، ج ١.
١٥. بروجردي، سيد محمد ابراهيم، ١٣٦٦ش، تفسير جامع، تهران، انتشارات صدرا، ج ٦.
١٦. البغدادي، ابي بكر احمد بن علي، بي تا، تاريخ البغدادي، بيروت، دارالكتب العلمية.
١٧. الترمذی، ابي عيسى محمد بن عيسى، بي تا، الجامع الصحيح و هو سنن الترمذی، بيروت، دار احیاء التراث العربی.
١٨. الترمذی، ١٩٩٤م، سنن الترمذی، بيروت، دار الفکر.
١٩. ثعلبی، ابواسحاق احمد بن ابراهيم نيشابوري، ١٤٢٢ق، الكشف والبيان عن تفسير القرآن، بيروت، دار احیاء التراث العربی.
٢٠. جعفر سبحانی، ١٣٧٥ش، منشور جاويد، قم، دفتر انتشارات اسلامي، قم، ج ٢.
٢١. جزري، ابي الخير شمس الدين، محمد بن محمد الشافعي، ١٤٠٠ق، اثنى المطالب فى مناقب علي بن ابي طالب ؑ، اصفهان، مكتبة الامام امير المؤمنين ؑ.
٢٢. حسانى، عبيدالله بن احمد، ١٤١١ق، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، تهران، سازمان چاپ و انتشارات و وزارت ارشاد اسلامي.
٢٣. حميوني خراساني، ابراهيم بن محمد، ١٩٧٨م، فرائد السمطين، بيروت، مؤسسة- محمودی، بيروت، ج ١.
٢٤. حاكم نيشابوري، ابي عبدالله محمد بن عبدالله، ١٤١٨ق، المستدرک على الصحيحين، بيروت، دارالمعرفة، ج ١.
٢٥. حرّ عاملی، محمد بن حسن، ١٣٦٥ش، اثبات الهداة، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ج ٣.
٢٦. حرّ عاملی، ١٤٠٩ق، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت.
٢٧. حلبی شافعی، علی بن برهان الدین، بی تا، السيرة الحلیية، بيروت، دار احیاء التراث العربی.
٢٨. خوارزمی، موفق بن احمد بن محمد، ١٤١١ق، المناقب، مؤسسة النشر الاسلامی، ج ٢.

٢٩. ديلمى، حسن بن ابى حسن، ١٣٧٥ش، ارشادالقلوب، تهران، دار الأسوة للطباعة والنشر،  
ج ١.
٣٠. ذهبى، ١٤٢١ق، رسالة طرق حديث من كنت مولاه، تهران، انتشارات دليل، ج ٢.
٣١. ذهبى، شمس الدين محمد بن احمد، ١٩٩٦م، سير اعلام النبلاء، بيروت، مؤسسه الرسالة،  
ج ١١.
٣٢. راغب اصفهاني، ١٤١٧ق، مفردات الفاظ القرآن، بيروت، دارالقلم، ج ١.
٣٣. سبط ابن جوزى، ١٤٠١ق، تذكرة الخواص، بيروت، مؤسسه اهل البيت عليه السلام.
٣٤. سيوطى، جلال الدين، ١٤٠٤ق، لدرالمنثور فى تفسير المأثور، قم، كتابخانه آيت الله  
مرعشى نجفى.
٣٥. شوشترى، نورالله الحسينى، ١٣٨٢ش، احقاق الحق وازحاق الباطل، تهران،  
المطبعة الاسلامية.
٣٦. شيخ صدوق، ١٤١٠ق، الأمالى، بيروت، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، ج ٥.
٣٧. شيخ صدوق، ١٤١٣ق، من لا يحضره الفقيه، قم، انتشارات جامعه مدرسين حوزة.
٣٨. طباطبايى، محمدحسين، ١٤١٧ق، الميزان فى تفسير القرآن، قم، جامعه مدرسين حوزة  
علميه، ج ٥.
٣٩. طبرسى، ابى منصور احمد بن على بن ابى طالب، ١٤١٦ق، احتجاج، تهران، دارالكتب  
الاسلامية، ج ٢.
٤٠. طبرى، ١٤٢٨ق، ذخائرالعقبى فى مناقب ذوى القربى، قم، مؤسسة دارالكتب  
الاسلامية، ج ١.
٤١. طوسى، ١٣٦٥ش، تهذيب الاحكام، تهران، دارالكتب الاسلامية.
٤٢. طيب، سيد عبدالحسين، ١٣٧٨ش، اطيب البيان فى تفسير القرآن، تهران، انتشارات  
اسلامى، ج ٢.
٤٣. فخرالدين رازى، ابو عبدالله محمد بن عمر، ١٤٢٠ق، مفاتيح الغيب، بيروت، دار احياء التراث  
العربى.
٤٤. فيروزآبادى، سيدمرتضى، ١٣٨٣ش، فضائل الخمسة من الصحاح الستة نجف اشرف،  
دارالكتب الاسلامية.

٤٥. القسطلانی، ابی العباس شهاب الدین احمد، ١٤١٠ق، ارشاد الساری لشرح صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر، ج ١.
٤٦. القندوزی الحنفی، سلیمان بن ابراهیم، ١٤١٨ق، ینابیع المودّة، بیروت، مؤسسة-الاعلمی للمطبوعات، ج ١.
٤٧. کلینی، محمد بن یعقوب، ١٣٦٢ش، اصول کافی، تصحیح و تعلیق علی اکبر الغفاری، تهران، چاپخانه حیدری، ج ٤.
٤٨. کنجی، ابی عبدالله بن یوسف بن محمد، ١٣٦٢ش، کفایت الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، تهران، دار احیاء التراث اهل البيت، ج ٣.
٤٩. کنهوی، حامد حسین، ١٤٠٩ق، عبقات الانوار فی امامة الائمة- الاطهار، قم، چاپخانه سیدالشهداء، ج ١.
٥٠. متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام الدین، ١٤٠٩ق، کنز العمال، بیروت، مؤسسة الرسالة.
٥١. مجلسی، محمدباقر، ١٤٠٣ق، بحار الانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ج ٢.
٥٢. المغازلی، ابی الحسن علی بن محمد بن الواسطی، ١٣٩٤ش، مناقب علی بن ابی طالب، تهران، الطبعة الاسلامیة، ج ١.
٥٣. ملکی میانجی، محمدباقر، ١٤٠٠ق، بدایع الکلام فی تفسیر آیات الاحکام، بیروت، مؤسسة الوفاء، ج ١.
٥٤. مناوی، محمد عبدالرؤف، ١٤١٥ق، فیض القدير شرح جامع الصغير، بیروت، دارالکتب العلمیة، ج ١.
٥٥. مکارم شیرازی، ناصر، ١٣٧٧ش، پیام قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ج ٤.
٥٦. نسائی، ابی عبدالرحمن احمد بن شعیب، ١٤٢٨ق، خصائص امیر المؤمنین علی بن ابی طالب، بیروت، المكتبة العصرية.
٥٧. واقدی، محمد بن سعد کاتب، ١٣٧٤ش، طبقات، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه.
٥٨. هلالی، سلیم بن قیس، ١٤٣٠ق، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، اسرار آل محمد، بیروت، دارالکتب العلمیة، ج ٢.
٥٩. هیثمی، احمد بن حجر، ١٩٦٥، الصوائق المحرقة فی الرد علی اهل البدع والزندقة، مصر، مكتبة القاهرة، ج ٢.

- ٦٠ هيثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، ١٤٠٨ق، مجمع الزوائد و مجمع الفوائد، بیروت، دارالکتاب العلمیة.
- ٦١ المنقری، نصر بن مزاحم، ١٣٨٢ش، وقعة الصغین، قم، انتشارات آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ج ٢.
- ٦٢ طوسی، ابی جعفر بن محمد بن حنبل، ١٤١٤ق، الامالی، قم، انتشارات دارالشفافه.

